

بیانیه مطبوعاتی و گزارش سال ۲۰۱۲ عفو بین الملل

عفو بین الملل



گزارش ۲۰۱۲ عفو بین الملل موارد مشخص محدودیت بر آزادی بیان را در دستکم ۹۳ کشور و نیز موارد افرادی را که مورد شکنجه یا بدرفتاری‌های دیگر - در بسیاری موارد به خاطر شرکت در تظاهرات - قرار گرفته‌اند در دستکم ۱۰۱ کشور مستند می‌سازد.

ممنوعیت مطلق انتشار تا ساعت ۲۳:۰۱ به وقت گرینویچ روز چهارشنبه ۲۳ ماه می ۲۰۱۲ / ۰۰:۰۱ پنجشنبه ۲۴ ماه می ۲۰۱۲ وقت تابستانی انگلستان

گزارش ۲۰۱۲: استبداد و بی‌عدالتی دیگر نمی‌توانند به روش همیشگی ادامه یابند

عهدنامه قاطعی در زمینه تجارت اسلحه ضروریست اما ضعف شورای امنیت سازمان ملل در این زمینه رو به افزایش است

عفو بین الملل با فراخوانی برای تصویب عهدنامه قاطعی در زمینه تجارت اسلحه در سال جاری، هم‌زمان با انتشار پنجاهمین گزارش جهانی حقوق بشر خود، گفت شجاعت معترضان در ۱۲ ماه گذشته با شکست رهبری همراه بود که نشان دهنده خستگی، ناهماهنگی و ناتوانی روزافزون شورای امنیت سازمان ملل است.

سَلیل شتی، دبیرکل عفو بین الملل گفت: «ناتوانی رهبری در سال گذشته بُعد جهانی به خود گرفت و سیاستمداران با خشونت یا بی‌اعتنایی به اعتراضها واکنش نشان دادند. دولت‌ها باید رهبری قانونی خود را به نمایش بگذارند و با حمایت از ناتوانان و محدودکردن قدرتمندان بی‌عدالتی را نفی کنند. زمان ارجحیت دادن به مردم در مقابل شرکتها و حقوق در مقابل سود رسیده است.»

حمایت پرسروصدا و پرشور بسیاری از قدرتهای جهانی و منطقه‌ای از جنبشهای اعتراضی در ماه‌های آغازین سال ۲۰۱۱ شکل عملی به خود نگرفته است. با حضور مردم مصر در صندوق‌های رأی برای انتخاب یک رئیس‌جمهور جدید، بیش از پیش به نظر می‌رسد که فرصت‌های ایجاد شده

به وسیله معترضان، به هدر می‌رود.

سَلیل شِتی گفت: «در سال گذشته بارها آشکار شد که با تلاش قدرت‌های جهانی برای کسب نفوذ در خاورمیانه و آفریقای شمالی، اتحادهای فرصت‌طلبانه و منافع مالی حقوق بشر را در شیپور کرده‌اند. هر زمان که زبان حقوق بشری به نفع برنامه‌های سیاسی و شرکت‌ها باشد آن را به کار می‌گیرند و هر زمان که نامناسب باشد یا بر سر راه کسب سود قرار گیرد آن را کنار می‌گذارند.»

کوتاهی از مداخله در سریلانکا و بی‌عملی نسبت به جنایت‌های ضد بشریت در سوریه - که یکی از مشتریان اصلی سلاح‌های روسیه است - شورای امنیت سازمان ملل را به عنوان پاسدار صلح جهانی بی‌فایده کرده است. مراکز قدرت نوپدیداری مثل هند، برزیل و آفریقای جنوبی هم با سکوت خود در این وضع شریک بوده‌اند.

سَلیل شِتی گفت: «مدارک مربوط به وضعیت سوریه برای طرح در دادگاه بین‌المللی کیفری به منظور تحقیق درباره جنایت علیه بشریت کاملاً روشن و محکم است. عزم اعضای شورای امنیت سازمان ملل برای حمایت از سوریه به هر قیمت، پاسخ‌گویی برای این جنایت‌ها را از دسترس دور می‌سازد و خیانت در حق مردم سوریه است.»

گزارش ۲۰۱۲ عفو بین‌الملل موارد مشخص محدودیت بر آزادی بیان را در دست‌کم ۹۳ کشور و نیز موارد افرادی را که مورد شکنجه یا بدرفتاری‌های دیگر - در بسیاری موارد به خاطر شرکت در تظاهرات - قرار گرفته‌اند در دست‌کم ۱۰۱ کشور مستند می‌سازد.

«برکنار کردن تکتک رهبران - هر قدر هم مستبد باشند - در درازمدت برای ایجاد تغییر کافی نیست. دولت‌ها باید هم در کشور خود و هم در خارج از آزادی بیان دفاع کنند، مسئولیت‌های بین‌المللی را جدی بگیرند و در سیستم‌ها و ساختارهایی سرمایه‌گذاری کنند که عدالت، آزادی و برابری در مقابل قانون را تضمین نمایند.»

اجلاس سازمان ملل در ماه جولای برای توافق درباره عهدنامه تجارت اسلحه محکی برای سیاستمداران خواهد بود تا حقوق بشر را بالاتر از منافع شخصی و سود قرار دهند. بدون یک عهدنامه قاطع، پاسداری شورای امنیت سازمان ملل از صلح و امنیت جهانی محکوم به شکست است؛ اعضای دایمی آن از اختیار کامل وتوی هر قطعنامه‌ای برخوردارند با وجود اینکه خود بزرگ‌ترین فروشندگان اسلحه در جهان هستند.

سَلیل شتی گفت: «معترضان نشان دادند که تغییر امکان‌پذیر است. آن‌ها دولت‌ها را برای حمایت از عدالت، برابری و عزت به چالش طلبیده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که رهبرانی که این انتظارات را برآورده نسازند دیگر مورد پذیرش نخواهند بود. سال ۲۰۱۲ پس از یک آغاز شوم باید به سال عمل تبدیل شود.»

دیگر تحولات جهانی که در گزارش ۲۰۱۲ عفو بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفته‌اند :

- دولت‌های به شدت سرکوب‌گر از جمله چین تمام نیروی دستگاه امنیتی خود را برای خفه کردن اعتراضات به کار گرفتند. در وضعیت هولناک حقوق بشر در کره شمالی هیچ بهبودی حاصل نشد.

- در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، خاورمیانه و آفریقای شمالی شورش‌ها به شدت بر مردم تأثیر گذاشت، اما خشونت شدیدی در کشورهای مختلف از آنگولا تا سنگال و اوگاندا علیه معترضان به کار گرفته شد.

- اعتراض‌های اجتماعی در کشورهای قاره آمریکا اوج گرفت و اغلب به درگیری مردم با منافع اقتصادی و سیاسی نیرومند انجامید. در کشورهای مختلف از جمله برزیل، کلمبیا و مکزیک، فعالان مورد تهدید قرار گرفتند و به قتل رسیدند.

- در روسیه، فعالیت شهروندی رشد کرد و این کشور شاهد بزرگ‌ترین تظاهرات پس از فروپاشی اتحاد شوروی بود، اما مخالفان مورد تعرض قرار گرفتند و به طور منظم تضعیف شدند.

- در کشورهای مثل ترکمنستان و ازبکستان هیچ نشانه‌ای از تغییر قابل توجه مشاهده نشد. آذربایجان، میزبان امسال مسابقه آوازخوانی یورو ویژن، آزادی بیان را سرکوب کرد و ۱۶ زندانی عقیدتی به خاطر ابراز نظر خود در سال ۲۰۱۱ هنوز در زندان به‌سرمی‌بردند.

- رأی برای استقلال در سودان جنوبی با خشونت دنبال شد اما شورای امنیت سازمان ملل - و به همراه آن شورای امنیت و صلح اتحادیه آفریقا - باز هم از محکوم کردن تعدی‌های نیروهای مسلح سودان از جمله بمباران‌های بی‌رویه یا جلوگیری دولت سودان از دسترسی سازمان‌های بشردوستانه به ایالت‌های آسیب دیده کوتاهی کرد.

- در حالی که جهان متوجه شورش‌ها بود، در خاورمیانه و آفریقای

شمالی مشکلات دیرینه دیگری رو به وخامت بود. حکومت ایران منزوی تر شد، هیچ مخالفتی را تحمل نکرد و در اشتیاق به اجرای مجازات اعدام تنها از چین عقب ماند؛ عربستان سعودی معترضان را سرکوب کرد. اسرائیل به محاصره غزه ادامه داد، بحران بشردوستانه را طولانی‌تر کرد و به گسترش شهرک‌های غیرقانونی در ساحل غربی ادامه داد. سازمان‌های سیاسی فلسطینی الفتح و حماس به حمله به هواداران یکدیگر ادامه دادند؛ حمله‌های تلافی جویانه نیروهای اسرائیلی و گروه‌های مسلح فلسطینی به یکدیگر در غزه افزایش یافت.

• دولت میانمار با آزادی بیش از ۳۰۰ زندانی سیاسی و دادن اجازه به آنگ سان سو چی برای شرکت در انتخابات تصمیمی اساسی گرفت. اما اوج‌گیری نقض حقوق بشر ناشی از درگیری‌ها در مناطق محل سکونت اقلیت‌های قومی و تداوم آزار و اذیت و بازداشت فعالان حاکی از محدودیت اصلاحات بود.

• روندهای جاری از این جمله بودند: در کشورهای قاره امریکا، افزایش تعدی علیه جوامع بومی به همراه افزایش تلاش برای بهره‌برداری از منابع؛ در آفریقا افزایش تبعیض به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی افراد؛ افزایش گفتار ضد خارجی بعضی از سیاستمداران اروپایی؛ و افزایش آسیب‌پذیری در مقابل حملات تروریستی گروه‌های مسلح اسلامی در آفریقا.

• پیشرفت‌ها از این جمله بود: روند جهانی به سوی الغای مجازات اعدام؛ کاهش معافیت از مجازات برای تعدی‌های حقوق بشری گذشته در کشورهای قاره امریکا؛ و گام‌های اساسی به سوی عدالت در اروپا با دستگیری ژنرال راتکو ملادیچ و گوران هادزیچ، صرب - کرواسیایی، به منظور محاکمه به خاطر جنایت‌هایی که در دهه ۱۹۹۰ در یوگسلاوی سابق مرتکب شده بودند.

پایان/

یادداشت‌هایی برای سردبیران:

۱ گزارش عفو بین الملل ۲۰۱۲: وضعیت حقوق بشر در سطح جهان، دوره ژانویه تا دسامبر ۲۰۱۱ را در بر می‌گیرد.

۲ اطلاعات و ارقام، مطالب شنیداری - دیداری، جزئیات رویدادهای رسانه ای و دیگر اطلاعات را می‌توانید از طریق پست الکترونیکی press@amnesty.org دریافت کنید.

۳ برای دریافت اطلاعات بیشتر یا انجام مصاحبه با یکی از سخنگویان عفو بین الملل و افرادی که در خط اول جبهه مبارزه به خاطر حقوق بشر بوده‌اند، با دفتر مطبوعاتی تماس بگیرید: ۵۵۶۶ ۷۴۱۳ ۲۰ (۰) +۴۴ یا press@amnesty.org

گزارش 2012 عفو بین الملل درباره ی ایران

-

جمهوری اسلامی ایران

رییس کشور: رهبر جمهوری اسلامی ایران: آیت الله سید علی‌خامنه‌ای

رییس دولت: رییس جمهور: محمود احمدی‌نژاد

مجازات اعدام: برقرار است

جمعیت: 74.8 میلیون

امید به زندگی: 73 سال

میزان مرگ و میر زیر 5 سال: 30.9 در 1000

سواد بزرگسالان: 85 درصد

-

آزادی بیان، آزادی تشکل و گردهمایی به شدت محدود شد. مخالفان سیاسی، فعالان حقوق زنان و اقلیت‌ها و دیگر مدافعان حقوق بشر خودسرانه دستگیر شدند، در انزوای کامل بازداشت شدند، پس از محاکمه‌های ناعادلانه زندانی و خروجشان از کشور ممنوع شد. شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر رایج بود و با معافیت از مجازات انجام می‌شد. زنان و اقلیت‌های دینی و قومی در عمل و قانون مورد تبعیض قرار داشتند. حداقل 360 نفر اعدام شدند؛ تعداد واقعی گویا بسیار بیشتر بود. حداقل سه مجرم نوجوان در میان این عده بودند. شلاق و قطع عضو با حکم قضایی اجرا شد.

--

پیشینه

نیروهای امنیتی، از جمله نیروی شبه نظامی بسیج، به عملیات خود با

معافیت تقریبا کامل از مجازات ادامه دادند و تقریبا هیچ گونه پاسخ گویی برای قتل های غیرقانونی و دیگر موارد نقض جدی حقوق که در زمان اعتراض های عظیم و اغلب مسالمت آمیز پس از انتخابات ریاست جمهوری 1388 و سال های پیش رخ داد در کار نبود.

در ماه مارچ، شورای حقوق بشر سازمان ملل گزارشگر ویژه ای برای تحقیق در باره حقوق بشر در ایران منصوب کرد. دولت از دادن اجازه به او برای دیدار از کشور سر باز زد. در اکتبر، کمیته حقوق بشر سازمان ملل کارنامه ایران در زمینه حقوق مدنی و سیاسی را مورد بررسی قرار داد. در ماه دسامبر، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای را در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران به تصویب رسانید.

نیروهای ایران به پایگاه های پژاک (حزب حیات آزاد ایران) که گروهی مسلح و طرفدار خودمختاری برای کردهای ایران است، در کردستان عراق حمله کردند؛ حداقل دو غیرنظامی کشته شدند و صدها خانواده در کردستان عراق آواره شدند. مبارزان پژاک گویا شامل افرادی هستند که به عنوان کودک سربازگیری شده اند.

زمانی که در ماه نوامبر سازمان بین المللی انرژی هسته ای گزارش داد که ایران ممکن است مخفیانه مشغول ساختن سلاح هسته ای باشد، تنش های بین المللی بر سر برنامه هسته ای ایران اوج گرفت. دولت، اسرائیل و ایالات متحده امریکا را متهم کرد که در قتل چند دانشمند ایرانی احتمالا فعال در برنامه هسته ای ایران نقش دارند، از جمله در قتل داریوش رضایی نژاد متخصص فیزیک که در ماه جولای به وسیله فرد مسلح ناشناسی در تهران کشته شد. دولت تمام اتهام های دولتمردان ایالات متحده امریکا را درباره شرکت مسئولان ارشد سپاه پاسداران در طرح قتل سفیر عربستان سعودی در امریکا رد کرد.

آزادی بیان، تشکل و گردهمایی

دولتمردان محدودیت های شدید بر آزادی بیان، تشکل و گردهمایی را که پیش از اعتراض های گسترده 1388، در طی آنها و پس از آنها برقرار بود حفظ کردند و کوشیدند محدودیت های بیشتری اعمال کنند. مجلس لوایحی را مورد بحث قرار داد که آزادی بیان، تشکل و گردهمایی از جمله فعالیت های سازمان های غیردولتی و احزاب سیاسی را محدودتر می سازد.

* محمد سیف زاده که در ماه آپریل (فروردین) برای گذراندن حکم زندان دستگیر شد و عبدالفتاح سلطانی که در ماه سپتامبر (شهریور)

دستگیر شد، وکیل دادگستری و اعضای موسس کانون مدافعان حقوق بشر هستند که دفتر آن را دولت به زور در سال 2008 (1387) تعطیل کرد، و هر دو در پایان سال 2011 هنوز در زندان به سر می بردند.

* در ماه دسامبر، ژیل کرمزاده مکوندی، عضو گروه مادران پارک لاله که علیه قتل های غیرقانونی و دیگر موارد نقض جدی حقوق بشر مبارزه می کنند، گذراندن حکم دو سال زندان خود به اتهام «تشکیل یک سازمان غیرقانونی» و «اقدام علیه امنیت ملی» را شروع کرد. عضو دیگر این گروه، لیل سیف الهی با محکومیت مشابهی روبرو است.

دولتمردان از صدور اجازه برای برگزاری تظاهراتی در 25 بهمن در همبستگی با قیام های تونس و مصر سر باز زدند و به انجام دستگیری های پیشگیرانه دست زدند. اما تظاهرات در تهران، اصفهان، کرمانشاه، شیراز و نقاط دیگر انجام شد و نیروهای امنیتی آنها را با خشونت پراکندند و ده ها نفر را دستگیر کردند و حداقل دو نفر را کشتند. هر تظاهرات بعدی را نیز با خشونت به هم زدند.

* زندانی عقیدتی و فعال سیاسی هاله سحابی در تاریخ 11 خرداد در مرخصی از زندان برای شرکت در تشییع جنازه پدرش عزت الله سحابی، که یکی از مخالفان برجسته بود، در گذشت. بنا به گزارش ها نیروهای امنیتی پیش از افتادن او ضربه ای به او وارد کرده بودند.

نیروهای امنیتی تظاهرات محلی را سرکوب کردند و بنا به گزارش ها از خشونت شدید استفاده و ده ها نفر و شاید صدها نفر از معترضان را دستگیر کردند. در خوزستان، ده ها نفر از اقلیت عرب اهوازی گویا پیش و پس از تظاهرات ماه آپریل (فروردین) در یادبود اعتراض های سال 2005 (1384) کشته شدند. ده ها نفر از معترضان محیط زیستی که از دولت خواهان جلوگیری از نابودی دریاچه ارومیه بودند در ماه های آپریل، آگوست و سپتامبر (فروردین، مرداد و شهریور) در استان آذربایجان شرقی دستگیر شدند.

دولت کنترل شدیدی را بر رسانه ها حفظ و روزنامه ها را توقیف کرد، وبگاه ها را فیلتر نمود و روی کانال های تلویزیون ماهواره ای خارجی پارازیت فرستاد. ده ها نفر از روزنامه نگاران، فعالان سیاسی و خویشاوندان آنها، فیلم سازان، مدافعان حقوق بشر، دانشجویان و دانشگاهیان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، از سفر به خارج منع شدند، خودسرانه دستگیر و شکنجه شدند و به خاطر ابراز نظریات مخالف با دولت به زندان افتادند. بعضی از آنها که در سال های پیش

دستگیر شده بودند، پس از محاکمه ناعادلانه اعدام شدند.

* پنج کارگردان مستند ساز و یک تهیه/پخش کننده در سپتامبر (شهریور) پس از این که فیلمشان به بی بی سی فروخته شد دستگیر شدند. همه آنها تا اواسط دسامبر (اواخر آذر) آزاد شده بودند.

* فعالان دانشجویی مجید توکلی، بهاره هدایت و مهدیه گلو که محکومیت های زندان خود را به خاطر فعالیت های مسالمت آمیز دانشجویی و حقوق بشری می گذرانند به خاطر انتشار یک بیانیه مشترک از زندان به مناسبت روز دانشجو در سال 2010 (1389) به شش ماه زندان بیشتر محکوم شدند.

* بنا به گزارش ها فعال حقوق زن و روزنامه نگار فرانک فرید پس از دستگیری در تاریخ 12 شهریور در تبریز در ارتباط با اعتراض های دریاچه ارومیه به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت. او در اکتبر (مهر ماه) با وثیقه آزاد شد.

دستگیری ها و بازداشت های خودسرانه

مسئولان امنیتی به دستگیری و بازداشت خودسرانه مخالفان و منتقدان دولت ادامه دادند و اغلب آنها را بدون دسترسی به خانواده ها و وکلایشان یا مراقبت پزشکی به مدت طولانی در انزوای کامل نگه داشتند. بسیاری از آنها مورد شکنجه و بدرفتاری های دیگر قرار گرفتند. ده ها نفر پس از محاکمه ناعادلانه به حکم های طولانی زندان محکوم شدند و به صدها نفر زندانی محکوم پس از محاکمه ناعادلانه در سال های پیش پیوستند.

* در ماه فوریه (بهمن) رهبران مخالف مهدی کروبی و میرحسین موسوی و همسرانشان پس از دعوت به تظاهرات 25 بهمن بدون حکم به حبس خانگی افتادند؛ در پایان سال، آنها به استثنای فاطمه کروبی، همسر مهدی کروبی، هنوز در حبس خانگی به سر می بردند.

* محمد توسلی که در آبان ماه دستگیر شد، یکی از حداقل پنج عضو گروه غیرقانونی نهضت آزادی بود که در سال 2011 بازداشت شدند. او به خاطر نامه 143 فعالان سیاسی به رئیس جمهور پیشین خاتمی در مهر ماه بازداشت شد. در این نامه هشدار داده شده بود که انتخابات آتی مجلس نه آزاد خواهد بود و نه عادلانه. پنج نفر دیگر نیز از خروج از ایران منع شدند.

* شین بائر و جاش فاتال، دو امریکایی که گویا پس از گم کردن مسیر خود در حین کوه پیمایی در عراق و ورود به ایران بیش از دو سال در بازداشت و متهم به جاسوسی بودند، پس از پرداخت وثیقه سنگین در ماه سپتامبر (شهریور) آزاد شدند و اجازه یافتند ایران را ترک کنند.

مدافعان حقوق بشر

سرکوب مدافعان حقوق بشر از جمله وکلای دادگستری افزایش یافت. بسیاری از آنها دستگیر و زندانی شدند یا مورد آزار قرار گرفتند. عده ای دیگر پس از محاکمه ناعادلانه در سال های پیش در زندان ماندند؛ این عده شامل فعالان حقوق زن و حقوق اقلیت ها، فعالان سندیکایی، وکلای دادگستری و دانشجویان بودند. بسیاری از آنها زندانیان عقیدتی بودند. تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل باز هم ممنوع بود و چندین عضو اتحادیه در زندان ماندند.

* حکم 11 سال زندان که پس از محکومیت نسرین ستوده، وکیل حقوق بشری، به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» به خاطر فعالیت قانونی وکالت او در ماه آپریل (فروردین) صادر شده بود، در ماه سپتامبر (شهریور) در تجدید نظر به شش سال کاهش یافت. محرومیت 20 سال از اشتغال به وکالت و خروج از ایران نیز نصف شد.

* رضا شهابی، صندوقدار سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بدون اتمام محاکمه باز هم در زندان اوین تهران ماند. او که در جون 2010 (خرداد 1389) دستگیر شده، یک زندانی عقیدتی است، همانند منصور اسانلو رهبر همان سندیکا که به صورت مشروط در ماه جون (خرداد) برای مداوای پزشکی آزاد شد.

* فعال حقوق بشر کوهیار گودرزی پس از دستگیری در ماه جولای (تیر) چند هفته ناپدید شد تا این که معلوم شد در زندان اوین و در حبس انفرادی است و در پایان سال 2011 نیز در بازداشت بود. بهنام گنجی خیبری که به همراه او دستگیر و ظاهراً شکنجه شده بود، پس از آزادی خودکشی کرد.

* فعال برجسته حقوق بشر عمادالدین باقی پس از گذراندن دو محکومیت زندان همزمان یک ساله به اتهام «تبلیغ علیه نظام» در ارتباط با فعالیت های حقوق بشری و رسانه ای در ماه جون (خرداد) آزاد شد. او به مدت پنج سال از فعالیت های سیاسی یا رسانه ای محروم است.

محاكمه های نا عادلانه

محاكمه نا عادلانه مظنونان سياسي اغلب با اتهام های مبهمی که جرم کیفری مشخصی به شمار نمی رفت ادامه یافت. اغلب این افراد بعضا در غیاب وکیل مدافع و بر اساس «اقرار» یا اطلاعات دیگری که گویا زیر شکنجه در دوره بازداشت پیش از محاكمه کسب می شود، محکوم شدند. دادگاه ها این «اقرارها» را بدون تحقیق در باره چگونگی کسب آنها به عنوان مدرک می پذیرفتند.

* امید کوکبی در بازگشت از تحصیل در ایالات متحده امریکا در ماه فوریه (بهمن) در فرودگاه تهران دستگیر شد. او که به «جاسوسی» و جرایم دیگر متهم شده بود در ماه اکتبر (مهر) محاكمه شد. او گفت که در بازداشت وادار به «اعتراف» شده است. وکیل او گفت که اجازه تماس با او نداشته است.

* زهرا بهرامی، تبعه هلندی - ایرانی، بدون اخطار در 9 بهمن، تنها 27 روز پس از محکومیت به اعدام به اتهام قاچاق مواد مخدر اعدام شد. او در تظاهراتی در دسامبر 2009 (آذر 1388) دستگیر شده بود و ابتدا ظاهرا به خاطر تماس با یک گروه غیرقانونی مخالف به محاربه با خدا متهم شد، اما به این اتهام محاكمه نشد. وکیل او گفت حق اعتراض به این حکم اعدام وجود نداشت.

شکنجه و بد رفتاری های دیگر

شکنجه و بد رفتاری های دیگر در بازداشت پیش از محاكمه هنوز رایج بود و با معافیت از مجازات انجام می شد. ضربه های شلاق را به کف پا و بدن بازداشت شدگان، گاهی در حالی که وارونه آویزان بودند، می نوازند؛ آنها را با سیگار و اشیا داغ فلزی می سوزانند؛ اعدام ساختگی اجرا می کنند؛ به آنها از جمله با استفاده از زندانیان دیگر تجاوز می کنند؛ آنها را تهدید به تجاوز می کنند؛ در فضاهای پر ازدحام بازداشت می کنند؛ و نور، غذا، آب و رسیدگی پزشکی کافی را از آنها دریغ می کنند. حداقل 12 نفر گویا در شرایط مشکوکی در زندان درگذشتند، از جمله در شرایطی که رسیدگی پزشکی عرضه نشده یا با تاخیر عرضه شده بود. مرگ آنها مستقلا مورد تحقیق قرار نگرفت. در ماه مارچ (اسفند) حداقل 10 زندانی دیگر در طی نا آرامی ها در زندان قزل حصار در کرج در نزدیکی تهران فوت کردند. هیچ اطلاعی از تحقیق دولتمردان در باره ادعاهای شکنجه و بد رفتاری های دیگر در دست نیست. کسانی که از شکنجه شکایت کردند با اقدام های تلافی

جویانه روبرو شدند. شرایط سخت زندان در اثر ازدحام شدید بدتر شد.

* حداقل چهار عرب اهوازی - رضا مقامسی، عبدالکریم فهد عبیات، احمد رئیس‌ان سلامی و اجباره تمیمی - در بازداشت در استان خوزستان گویا در فاصله ماه‌های مارچ و می (فروردین و اردیبهشت) احتمالاً در اثر شکنجه درگذشتند.

* روزنامه نگار عیسی سحرخیز، زهرا جباری، مدافع حقوق اقلیت آذربایجانی سعید متین پور و روحانی مخالف حسین کاظمینی بروجردی از جمله زندانیان سیاسی زیادی بودند که از رسیدگی پزشکی کافی محروم ماندند. فعال سیاسی هدی صابر در ماه جون (خرداد) پس از اعتصاب غذا در اعتراض به مرگ‌هاله‌سحابی در زندان درگذشت. زندانیان دیگر گفتند که مسئولان زندان او را مورد ضرب و شتم قرار داده و از رسیدگی پزشکی کافی محروم کرده‌اند.

مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز

حکم‌های شلاق و قطع عضو باز هم صادر و اجرا شد. حکم کور کردن نیز صادر شد.

* سمیه توحیدلو، فعال سیاسی، و پیمان عارف، فعال دانشجویی، پس از محکومیت جداگانه به خاطر «توهین» به ریاست جمهوری احمدی نژاد در ماه سپتامبر (شهریور)، به ترتیب 50 و 74 ضربه شلاق خوردند.

* چهار انگشت دست راست چهار مرد که به خاطر دزدی محکوم شده بودند گویا در تاریخ 16 مهر قطع شد.

* مجید موحدی که در سال 2004 (1383) آمنه بهرامی را با اسید کور کرده و به کور شدن به وسیله اسید محکوم شده بود، در تاریخ 9 مرداد کمی پیش از اجرای مجازات در بیمارستان زمانی که قربانی دریافت دیه را پذیرفت نجات یافت.

تبعیض علیه زنان

زنان در عمل و قانون و از جمله بر اساس مقررات الزامی پوشش مورد تبعیض قرار می‌گیرند. فعالان حقوق زن، از جمله آنهایی که در کمپین یک میلیون امضا خواهان برابری قانونی برای زنان هستند، مورد آزار و تعقیب قرار گرفتند. پیش‌نویس لایحه حمایت از خانواده، که قانون تبعیض‌آمیز علیه زنان را تشدید می‌کند، در مجلس در انتظار تصویب نهایی است. بعضی از دانشگاه‌ها جدا سازی دانشجویان بر اساس جنسیت

را آغاز کرده اند.

* فاطمه مسجدی و مریم بیدگلی، فعالان کمپین یک میلیون امضا، هر یک شش ماه در زندان گذراندند و اولین اعضای کمپین بودند که به خاطر گردآوری امضا به زندان رفتند.

حقوق همجنس‌گرایان زن و مرد، دوجنسی‌ها و دگرجنس‌گونه‌ها

کسانی که به فعالیت‌های همجنس‌گرایانه متهم می‌شدند با آزار و تعقیب و مجازات‌های قضایی شلاق و اعدام روبرو بودند.

* در تاریخ 13 شهریور، سه نفر که تنها حروف اول اسمشان عنوان شد، پس از محکومیت به خاطر «لواط» در زندان کارون اهواز در استان خوزستان اعدام شدند.

* سیامک قادری، روزنامه‌نگار پیشین خبرگزاری دولتی که از مرداد 1389 در زندان است پس از مجرمیت به خاطر «نشر اکاذیب»، ارتکاب «اعمال غیرشرعی» و اتهام‌های دیگر از جمله به خاطر انتشار مصاحبه با افرادی از میان همجنس‌گرایان زن و مرد، دوجنسی‌ها و دگرجنس‌گونه‌ها در وبلاگ خود در ژانویه به چهار سال زندان، شلاق و جریمه محکوم شد.

تبعیض - اقلیت‌های قومی

جوامع اقلیت قومی ایران شامل عرب‌های اهوازی، آذربایجانی‌ها، بلوچ‌ها، کُردها و ترکمن‌ها، با تبعیض ادامه‌دار در عمل و قانون روبرو بودند. استفاده از زبان‌های اقلیت در اداره‌های دولتی و برای تدریس در مدارس هنوز ممنوع بود. فعالانی که برای حقوق اقلیت‌ها فعالیت می‌کردند مورد تهدید قرار گرفتند، دستگیر شدند و به زندان افتادند.

* زندانی عقیدتی محمد صدیق کبودوند هنوز محکومیت 10 سال و نیم زندان خود را به خاطر نقش خود در تشکیل سازمان حقوق بشر کردستان می‌گذراند و از رسیدگی پزشکی کافی محروم است.

* محمد صابر ملک ریسی، جوان بلوچ 16 ساله اهل سرباز که از سپتامبر 2009 (شهریور 1388) احتمالاً برای وادار کردن برادرش به تسلیم به دولتمردان در بازداشت بوده است، به پنج سال زندان در تبعید محکوم شد، به این معنا که حکم زندان را باید در زندانی به دور از خانواده اش بگذراند.

آزادی دین

در پی فراخوان های مکرر مقام رهبری و دولتمردان دیگر برای مبارزه با «دین های ساختگی» - که گویا اشاره به مسیحیت تبشیری، بهاییگری و صوفیگری است - اعضای اقلیت های دینی، شامل نوکیشان مسیحی، بهاییان، روحانیان منتقد شیعه، و اعضای جوامع اهل حق و دراویش گرفتار آزار و تعقیب ادامه دار بوده اند. مسلمانان اهل سنت نیز در بعضی شهرها با محدودیت بر نماز جماعت روبرو بوده اند و بعضی از روحانیان اهل سنت دستگیر شده اند.

* حداقل هفت بهایی به زندان های بین چهار و پنج سال محکوم و بیش از 30 نفر دیگر در حمله به موسسه آموزش عالی بهایی دستگیر شدند. این موسسه دوره های آموزش عالی را به صورت آنلاین در اختیار دانشجویان بهایی قرار می داد که از ورود به دانشگاه ها محروم می شوند. این هفت نفر از جمله 100 بهایی هستند که به خاطر اعتقادشان در زندان به سر می برند از جمله هفت رهبر آنها که حکم های 20 سال زندان آنها با لغو حکم سال 2010 دادگاه تجدید نظر دوباره در مارچ (اسفند) تایید شد.

* حداقل 100 درویش گنابادی (یکی از سلسله های مذهبی صوفی) ، سه تن از وکیلان مدافع آنها، و 12 تن از روزنامه نگاران مجذوبان نور که وبگاه خبری سلسله دراویش گنابادی است، در سپتامبر و اکتبر (شهریور و مهر) در کوار و تهران دستگیر شدند. در پایان سال 2011، حداقل 11 نفر، اغلب بدون دسترسی به وکیل یا خانواده، هنوز در بازداشت به سر می بردند.

* محاکمه مجدد یوسف ندرخانی، کشیش مسیحی متهم به «ارتداد»، در سپتامبر (شهریور) شروع شد. او که در خانواده ای مسلمان به دنیا آمده است، در اکتبر 2009 (مهر 1388) دستگیر شد. او در سال 2010 به علت خودداری از انکار مسیحیت که به آن گرویده بود، به اعدام محکوم شد، اما دیوان عالی کشور این حکم را در جون (خرداد) لغو کرد.

* سید محمد موحد فاضلی، امام جماعت اهل سنت شهر تایباد، در پی اعتراض به استعفای اجباری او از امامت جماعت، از ژانویه تا آگوست (دی تا مرداد) در بازداشت به سر برد.

مجازات اعدام

صدها نفر به اعدام محکوم شدند. منابع رسمی حداقل 360 اعدام را گزارش کردند، هر چند اطلاعات معتبر دیگر حاکی از بیش از 274 اعدام دیگر و اعدام مخفیانه بسیاری از زندانیان بود. بیش از 80 درصد اعدام ها گویا به اتهام جرایم مواد مخدر انجام شد که اغلب مردم تهی دست و جوامع حاشیه ای، به ویژه افغان ها، را شامل می شود. اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر در ژانویه به اجرا درآمد؛ محکومان به اعدام بر اساس این قانون ظاهرا از حق اعتراض محروم هستند.

تعداد اعدام های انجام شده در انظار عمومی چهار برابر شد؛ حداقل پنجاه مورد رسماً اعلام شد و شش مورد دیگر را نیز منابع غیررسمی گزارش کردند. حداقل سه مجرم نوجوان - یعنی کسانی که به خاطر جرایم ارتكابی در سن کمتر از 18 سالگی محکوم می شوند - اعدام شدند؛ منابع معتبر خبر از اعدام چهار نوجوان دیگر دادند. اعدام به وسیله سنگسار گزارش نشد، اما حداقل 15 نفر محکوم به سنگسار، از جمله سکینه محمدی آشتیانی، در زیر حکم اعدام به سر می برند. هزاران نفر از زندانیان دیگر در زیر حکم اعدام هستند.

* جعفر کاظمی و محمد علی حاج آقایی در تاریخ 24 ژانویه (4 بهمن) اعدام شدند. آنها به اتهام محاربه به علت داشتن تماس با سازمان مجاهدین خلق ایران که یک گروه غیرقانونی است، و «تبلیغ علیه نظام» در ارتباط با ناآرامی ها سال 1388 محکوم شده بودند.

* در تاریخ 21 سپتامبر (30 شهریور)، علیرضا ملا سلطانی، 17 ساله، که به خاطر قتل یک ورزشکار پرطرفدار محکوم شده بود، در کرج اعدام شد در حالی که قتل در جولای (تیر) انجام شده بود. او گفت پس از این که آن ورزشکار، روح الله داداشی، در تاریکی به او حمله کرده بود در دفاع از خود او را با چاقو زده است.

* در ماه دسامبر (آذر)، زندانی سیاسی زینب جلالیان از تخفیف در حکم اعدام خود مطلع شد.

دیدارها/گزارشهای عفو بین الملل

عفو بین الملل محرومیت از دیدار از ایران را با مسئولان دیپلماتیک ایرانی مورد بحث قرار داد اما هنوز از دیدار از ایران محروم بود. دولتمردان به ندرت به نامه های عفو بین الملل واکنشی نشان دادند.

• مصمم به زیستن با آبرو - مبارزه فعالان کارگری ایران برای حقوق خود (MDE 13/024/2011)

• گزارش به کمیته حقوق بشر (MDE 13/081/2011)

• معتاد به مرگ: اعدام به اتهام جرایم مواد مخدر در ایران (MDE)
13/090/2011